

کونیه‌شناسی

استقرارهای آغار دوران تاریخی در بخش شرقی ایران

نوشته دکتر ماریتزیو توژی رئیس هیأت باستانشناسی ایتالیائی در شهر سوخته

ترجمه دکتر غلامعلی شاملو

قاره‌ای کاملاً خشک باقی میماند. لایه‌های نمک با لایه‌های شنی عوض میشود در حالیکه رسوبات دوران زمین‌شناسی میوسین ۵ عاری از تمام پوشش گیاهی بطور مدام در اثر عوامل تخریبی از بین میروند از جمله بادهای شمال و شرق که باعث وجود اختلافات بزرگ در میزان ارتفاع و فشار هوا در تمام طول فصل گرما بسیار شدید هستند.

استقرارهای آغاز دوران تاریخی در حواشی این فرورفتگی‌ها قرار دارند. در اینجا ذکر مقدمه کوتاهی بمنظور شناخت اوضاع طبیعی موجود در این قسمت از ایران که با توزیع استقرارهای باستان و استقرارهای جدید ارتباط دارد ضروری است و این امر خود نقطه آغازی برای پژوهشگران و باز - سازان و بازپیرایان آثار باستان به شمار میرود.

۲

امکان استقرار انسانی تحت اوضاع اقلیمی و شرایط اکولوژیک دشوار متناسب با ظرفیت و توانائی انطباقی و سطح تکنولوژی اجتماع

یک نوار فرضی بندرعباس - کاشان - سمنان کوچک بنظر میرسد. از نظرگاه جغرافیائی میان این منطقه و منطقه فلات ایران تفاوت‌هایی وجود دارد. تقریباً نیمی از آن که حوزه اصلی است شامل فرورفتگی‌های ۴ صحرائی کویر، لوت، و مارگو - رجستان میباشد و محل اخیر در خاک افغان قرار دارد (عکس ۱: به متن انگلیسی مراجعه شود). این فرورفتگی‌های صحرائی را یک حلقه بیضوی شکل کوه‌ها احاطه کرده که حواشی فرورفتگی‌ها را نسبت به فلات ایران معین و محدود میسازد و از جریانهای آب دریا و گودرفتگی صحرائی قره‌قوم در آسیای مرکزی آنها را جدا می - سازد. در طرف شمال، سلسله جبال البرز در مواقع دیواری ایجاد کرده و ریزش باران را در قسمت جنوبی دریای خزر متمرکز میکند در حالیکه در قسمت جنوبی، نوار ساحلی مکران رطوبت دمدار باد موسمی هند را بدور نگاه میدارد. بنابراین مرکز فرورفتگی در اثر اوضاع اقلیمی

طبی بیست سال گذشته پژوهش - های باستان‌شناسی رشد یافته‌ای در بخش شرقی ایران انجام گرفته است. بررسی و اکتشافاتی که تا کنون بعمل آمده اگرچه واجد اهمیت زیادی است ولی با توجه به گستردگی و وسعت منطقه هنوز زود است که بتواند یک چشم‌انداز و نمای عمومی تاریخی را نشان بدهد. اگر در نظر بگیریم که بخش بزرگی از خراسان و بلوچستان از نظرگاه باستان‌شناسی هنوز هم بکر و نامکشوف باقی مانده است متوجه خواهیم شد که بررسی‌ها و مطالعات گسترده و دامنه‌داری باید در این منطقه انجام پذیرد. حتی مطالعات و اکتشافات مهمی که در مناطق باستانی شهداد، تپه‌یحیی، تل‌ابلیس و بمپور صورت گرفته است، با پژوهش‌های هیأت ایتالیائی در سیستان در مقایسه با مسائل تاریخی موجود در منطقه با محدوده‌ای بیش از هشتصد هزار کیلومتر مربع شامل قلمرو امروزی ایران تا شرق

است. استقرارهای آغاز دوران تاریخی وابسته به تولید کشاورزی هستند که اینهم بنوبه خود در اینجا به موجود بودن یا قابل دسترسی بودن جریان آب روی سطح زمین یا جمع شده در طبقات زمین بستگی دارد. تحت شرایط و اوضاع اقتصادی - اجتماعی دوران ماقبل دولت و حکومت، که در ایران جز در موارد بسیار استثنائی تا تأسیس امپراطوری ایران بطول انجامید، نظام توزیع دوباره ۶ منابع در مناطق و حوزه‌های متفاوت هیچگاه يك نظام سودمند و مؤثر نیست. از این‌رو، پیدا کردن استقرارهای دارای جمعیت‌های زیاد در مناطق غیر حاصلخیز برای مقاصد غیر کنترل راه‌های عبوری، کنترل حوزه‌های استخراج معدن امکان‌پذیر نیست. در طول هزاره چهارم پیش از میلاد هنوز نارسائی‌های بزرگی در زمینه نظام‌های حمل و نقل راه دور و ذخیره غذایی دراز مدت دیده می‌شود. مبادلات راه‌دور در زمینه بازرگانی کالاهای اختصاصی اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت و میزان تقاضا در این‌مورد بخصوص همیشه بسیار بالا بود از جمله چوب، سنگ لاجورد، طلا، کلریت، مس، روی و صدف‌ها.

اراضی خشک و بایر و عدم کارائی نظام توزیع دوباره و فقدان نسبی کنترل منطقه‌ای در واقع حدود اندازه حوزه‌ها را برای استقرار ثابت اجتماعات کشاورزی بطور قابل ملاحظه‌ای محدود می‌ساخت. لیکن در حوزه‌های دارای حداقل شرایط متناسب با بقایای روستاهای مربوط به هزاره‌های پنجم و چهارم پیش از میلاد برخورد می‌کنیم. تراکم جوی چندان زیاد نیست و در سراسر بخش شرقی ایران متغیر می‌باشد و

تحت هیچ عنوان بمنظور پویش‌های^۷ طرح شده دورانی^۸ تولید مانند کشاورزی قابل استفاده نیست. بنابراین تاریخ و موقعیت استقرارها در بخش شرقی ایران مانند تمام سرزمین‌های خشک دیگر به مهارت‌ها، استعدادهای و ظرفیت‌های فنی و اجتماعی گردآوری، حمل و نقل و توزیع مجدد آب، براساس ارتباط میان گونه‌های کشت شده و حفاظت خاک تحت جریان مداوم با دوفرسایش آب بستگی دارد.

در حالیکه اینها که برشمردیم در مورد استقرارهای تمامی سر - زمین‌های خشک کره زمین شاخص عمده‌ای بشمار می‌آید، موردیاجنبه‌ای مختص بخش شرقی ایران، وجه مقایسه‌ایست میان کوه‌های فلات و فرورفتگی‌هایی که در برمیگیرند. عنصر اصلی کویر لوت است و مطالعه نشانه‌ها و مراکز استقرار انسانی - که کویر را احاطه کرده‌اند. از نظرگاه‌های توپوگرافی، اقلیمی و بازرگانی، کویر دارای کاربرد^۹ مشابه با يك دریای بزرگ داخلی است. در دامنه‌های کوه‌هایی که آن را احاطه کرده‌اند مانند کوه‌های البرز، کرمان، مکران، هندوکش، منابع اقتصادی و گونه‌های زیستی^{۱۰} قابل توزیع هستند. از رأس قله کوه‌ها تا مرکز فرورفتگی محیط‌ها برحسب بلندی از سطح دریا متغیرند بطوری که اختلافات در حومه یا خارج شهر و منابع موجود در نواحی‌ای یافت میشوند که شاید بیکدیگر خیلی نزدیک هستند. اجتماع انسانی که متکی به چنین زمینه‌هایی است لزوماً بایستی پیرو منطق و طریق یکسانی باشد و نوع گردآئی، معماری بناها، شیوه و زمینه تولید و تخصص تکنولوژیک را مطابق با همان اصول

و موازین متنوع سازد. در اینجا است که مشاهده می‌کنیم چرا پژوهشگران بخصوص در زمینه یافتن راه‌حل‌هایی مشهود و موجود در معماری گذشته و حتی شیوه معماری امروز نیز علاقه نشان می‌دهند. حوزه‌ها و طرح‌های مسکونی، وضعیت حوزه‌های خدمات، شبکه ارتباطات داخلی در درون هرخانه بسیار محافظه‌کارانه طرح‌ریزی شده و علیرغم دگرگونی‌های اساسی در ساخت اقتصادی - اجتماعی و ایدئولوژی يك قوم و ملت در طول زمان بدون تغییر باقی می‌مانند. قاعده و ترتیب یکباررفته در معماری بناهای خصوصی بویژه نوع بناهای معمولی، نمایانگر ارتباط واقعی میان محیط جغرافیائی و محیط انسانی در جائی است که اجتماع در مقام گسترش نظام تولید خود برمی‌آید. از این جهت حفظ و نگهداری آنها بعنوان مهم‌ترین کارهای گروهی چه مذهبی و چه غیر مذهبی حائز اهمیت بسیار است و از طرف دیگر یکی از ابزارها و وسایل عمده و اساسی است که در مطالعه ساخت‌های اجتماعی و سطح تکنولوژی يك جامعه یکباررفته است.

در طول مدت آغاز دوران تاریخی (۱۸۰۰-۳۵۰۰ پیش از میلاد) تقریباً تمامی مناطقی که امروزه بخش شرقی ایران را تشکیل می‌دهد،

- 1- Typology
- 2- Settlements
- 3- Protohistoric
- 4- Depressions
- 5- Miocene
- 6- Redistribution System
- 7- Processes
- 8- Cyclic
- 9- Function
- 10- Biologic

استقرارهایی از انواع و اندازه‌های متفاوتی را در خود جای داده بود. مواد و پدیده‌های فرهنگی این استقرارهای انسانی، اگرچه بدرجه عالی تکامل و تخصص از نوع آنچه در منطقه بین‌النهرین وجود داشت هنوز نرسیده بودند، ولی در سطح پیشرفته‌ای قرار داشتند. جمعیت این فرهنگ‌ها دارای توانائی احداث کارهای آبیاری، مزرع‌کاری، کشت نباتات گوناگون در تمام سال و احداث خانه‌ها و واحدهای مسکونی راحت و دارای کاربرد کافی بودند. تعدادی از این استقرارها در واقع بمنزله شهرهای واقعی بودند که در آنها گروه صنعتگران ماهر و متخصص، بناهای عمومی، مناطقی با کاربرد ویژه مانند گورستانها یا کارگاه‌های سفالگری و مزرع‌کاری وجود داشتند. در این زمینه محل‌های باستانی شهر سوخته، تپه یحیی، شهداد، حصار، وسیلک (شکل ۲ عکس در متن انگلیسی) نمونه‌های خوبی بشمار می‌روند. مثلاً در شهر سوخته وجه تشخیص و تفاوتی میان بخش گورستان و بخش شهری که از سه طرف آن را احاطه کرده بعمل آمده است. هیچ موردی از تدفین اموات در حوزه و بخش شهری دیده نشده است. در شهر سوخته هم چنین بقایا و مواد دورریختنی و زاید مربوط به کارگاه‌های سفالگری و سنگ لاجورد در حوزه‌های کوچکی تراکم یافته و گردآوری شده در حالیکه سنگ کاری و مس‌کاری تقریباً در هر واحد مسکونی انجام پذیرفته است. در حوالی محلی بنام «رود بیابان» استقرارهای مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد (۲۲۰۰ - ۲۴۰۰ قبل از میلاد) در امتداد شاخه‌های دلتای قدیمی توزیع شده‌اند. حدود پانزده تا بیست کیلو-

متری در جهت شرق در محل موسوم به «گردان ریگ» محل‌هایی کشف گردیده که در آنها مس‌کاری رواج داشته است. وضعیت مشابهی در شهداد دیده میشود و کاوشگر این محل باستانی، مهندس حاکمی بخشی از يك محل استقرار انسانی را با گورهای متعدد از زیر خاک بیرون آورده است. در این محل توده‌های ناشی از مس‌کاری یا مهره‌های عتیق یافت میشود. در محل باستانی «تپه حصار» به سال ۱۹۷۲، «بولگاری» ۱۱ موفق به کشف بخشی از يك کارگاه سنگ لاجورد شد که در آن هزاران ابزار سنگی و بقایای زائد شبیه آنچه در شهر سوخته پیدا شده بود بدست آمد.

در تمام محل‌های استقرار و اقامتگاه‌های آغاز دوران تاریخی بخش شرقی ایران میان اندازه محل و کیفیت مناطق مسکونی که انعکاس مستقیمی از وجود طبقات اجتماعی مشخص است ارتباط کمتری دیده میشود. بنظر میرسد هنوز زود باشد که بخواهیم دلیل و موجبی را در مورد فقدان رشد در جریان و پوشش تشکیل یا ساده‌تر بگوئیم، در مورد محل کوچکی که تاکنون تحت کاوش قرار گرفته است ذکر نمائیم. اگر قرار باشد وجه مقایسه‌ای با منطقه ترکمنستان جنوبی بعمل آید می‌توان انتظار داشت در آینده بناهای مذهبی يك اجتماع مانند هرم پله‌پله نوع مکتشف در «آلتین‌تپه» مربوط به دوره «نمازگا» ۱۲ (۱۸۰۰-۲۱۰۰ قبل از میلاد) کشف گردد.

ضمن تحلیل اقامتگاه‌ها یا مناطق استقرار آغاز دوران تاریخی در بخش شرقی ایران، اختلافات نسبت به تشابهات بیشتر و چشم‌گیرتر است. بنظر میرسد محل‌های باستانی شهر

سوخته، حصار، و تپه یحیی در میان خودشان دارای وجوه و موارد اختلاف بوده باشند و این نه از جهت توجه داشتن به تمامی اشکال فرهنگ مادی است بلکه بخاطر نوع محیطی است که در آن اقامتگاه‌های انسانی توسعه یافته‌اند و قاعده ویژه انطباق و سازش‌پذیری در ساخت‌های معماری و اقتصادی - اجتماعی دیده می‌شود. تعدادی از طبقه‌بندی‌های گوناگون استقرارها طبق وضعیت حوزه‌ای و منطقه‌ای آنها بخصوص در ارتباط با فرورفتگی‌های صحرا و تغییر شکل سلسله دور افتاده‌کوه‌ها قابل تشخیص و شناسائی است.

۱- استقرارهای دامنه کوه‌ها و تپه‌ها ۱۳

این استقرارها یا اقامتگاه‌های

انسانی در نقاطی که آب کوه در سطح زمین ظاهر میگردد و حتی با وسایل و طرق ابتدائی قابل برداشت و استفاده میشود یافت میشوند. در محدوده يك شعاع بیست کیلومتری اینگونه استقرارها میدان و حوزه گسترده‌ای از منابع موجود و قابل دسترس داشتند. استقرارهایی از این نوع عبارتند از: تپه حصار نزدیک دامغان و شاه‌تپه که در هر دو ای آنها احداث قنات و کشت نخل منجر به این شده که محل استقرار اقوام حدود دو کیلومتر بطرف بالا با توجه با وضاع و شرایطی که طی مدت هزاره سوم قبل از میلاد داشته‌اند تغییر مکان داده شود. در شهداد، شهر جدید (حدود قرن دهم - پانزدهم) و استقرار آغاز دوران تاریخی (هزاره‌های سوم و دوم قبل از میلاد) متوازیاً در جهت متمایل بطرف پائین رودخانه ترتیب یافته‌اند. وضعیت مشابهی نیز در تپه حصار

دامغان دیده میشود محل استقرار آغاز دوران تاریخی که تا حدود قرن ششم میلادی همچنان استقرار ادامه داشت و سپس کاخ ساسانی در آنجا احداث گردید در حالیکه دیوارهای جنوبی قلعه در قرن هشتم ساخته شدند.

این تشابه توپوگرافیک نه تنها مدیون شانس و تصادف است بلکه با نیازهای معلومی در زمینه توزیع مجدد آب از طبقات دامنه کوه بستگی پیدا می کند. اگر چنانچه احداث قنات در ایران چنانکه مورد قبول و تأیید «انگلیش»^{۱۴} قرار گرفته به پایان قرن سوم قبل از میلاد مربوط می شود، باید به عنوان دلیل و موجب اصلی تغییر شکل توپوگرافیک استقرارهای دامنه کوه یا تپه تلقی گردد. آب در مراحل سه گانه ای مورد استفاده قرار گرفته است که عبارتند از: آشامیدن، شستن، و آبیاری. کانالهای سرگشاده به منظور توزیع آب براساس شیب طبیعی و شبکه جریان طبیعی مورد استعمال قرار گرفتند و آب آشامیدنی نیز در چاه هایی که احداث کرده بودند جمع آوری می شد.

عامل دیگری که در زمینه وضعیت جدید روستا مشارکت داشت عبارت از بهره برداری وسیع منطقه توسط جمعیت بود با این نتیجه که منابع موجود در بالای جریان آب رودخانه و سمت فرود آب مرتباً فقیرتر و کم مایه تر می شد، کوه ها از پوشش و منابع عریان می شدند در حالیکه پستانداران صحرایی، غزال^{۱۵}، و خر وحشی^{۱۶} به نحو دائم التزایدی تقلیل می یافتند و یافتن آنها به دشواری امکان پذیر بود.

۲- استقرارهای مقابل صحرایی^{۱۷} در دره های باز

این وضعیت مخصوص ناحیه بم، اردستان، نائین، و کاشان در دوره های اخیر است، قسمتی از این نواحی از بادهای صحرا مصون است و از نظر وجود چشمه های آب زیر زمینی غنی می باشد و دارای ویژگی های فلات و صحرا بوده و می توانند به عنوان یک پل واقعی میان فلات ایران و فرو رفتگی های شرقی مورد ملاحظه قرار بگیرند. نواحی مزبور همیشه شرایط و اوضاعی متناسب برای کشاورزی ایجاد کرده اند و همچنین چون یک واحه در آن واحد مورد استفاده اقوام و ایلات نیز قرار گرفته اند. این مناطق به خاطر موقعیتی که داشتند اولین نقطه ای بودند که مورد استفاده کاروان هایی که از سمت مشرق می آمدند قرار می گرفتند، محل باستانی تپه سلیک^{۱۸} نزدیک کاشان و تداوم و استمرار سکونت و اشتغال انسانی در این محل، بخصوص از پنج هزار قبل از میلاد تا آخر عصر آهن بدون تغییر باقی ماند و نمونه ای از این عوامل متناسب مشابه به شمار می آید.

۳- استقرارهای درون کوه^{۱۹}

اینگونه استقرارها مخصوص نواحی جنوبی بلوچستان و کرمان هستند. نمونه ویژه ای از استقرار درون کوه در قسمت شرقی ایران در محل باستانی تپه یحیی در دره صوغان است که با محل دیگری در اطراف رود گوشک نزدیک دولت آباد بافت از پایان هزاره پنجم قبل از میلاد و قسمت اعظمی از هزاره چهارم قبل از میلاد مورد سکونت اقوام قرار گرفت (شکل ۶ عکس در متن انگلیسی)

علیرغم جدایی ظاهری آن، این منطقه در سراسر هزاره سوم قبل از میلاد در کانون تجارت وسیع قرار داشت و نه تنها به خاطر قابل دسترس و موجود بودن منابع معدنی (مانند کلریت از «تنگ موردان») بلکه همچنین به خاطر وجود یک جمعیت پایدار و ثابت و یک نظام کشاورزی کافی و بارور. تل ابلیس در منطقه مشین در وضعیت مشابهی قرار دارد اگرچه ویرانی این محل باستانی توسط کشاورزان محلی از پیدایی مدارک و آثار معتبر کاسته است.

۴- استقرار در امتداد جریان های

آب^{۲۰}

در حال حاضر هم این استقرارها در ردیف مناطقی دارای بزرگترین تراکم جمعیت و بزرگترین تولید در بلوچستان (بمپور) و کرمان (جیرفت) قرار دارند. این حوزه های استقرار انسانی با تراکم های انسانی، حیوانی و نباتی مشخص می گردند و این بخاطر فقدان آب و خاک است (شکل ۶ عکس در متن انگلیسی) این نوع استقرار قسمت شرقی ایران به نظر نمی رسد به مقدار زیادی بانوع فلات برحسب گونه شناسی مکشوفه در ناحیه عمان ارتباطی داشته باشد، نکته ای که باید به خاطر داشت عبارت از اینست که یک عامل مهم که

- 11- G. Bulgarelli
- 12- Namazga V
- 13- Foothill Settlements
- 14- P. W. English
- 15- Gazelle Subgutturosa
- 16- Eguus Hemionus onager
- 17- Predesertic Settlements
- 18- Sialk
- 19- Intramountain Settlements
20. Settlements Along Watercourses

مکران را از حوزه‌های شرقی دیگر ایران مشخص می‌سازد عبارت از نخل خرما است. حوزه دامنه کوه در حاشیه غربی لوت، در جایی که درخت نخل می‌روید در یک موقعیت واسط و میانی قرار دارد. شهرهایی چون شهداد غالباً نمایشگر ویژگی‌ها هستند و در یک موقعیت نوع دامنه کوه-ماقبل صحرائی قرار دارند در حالیکه روستاهای واقع در بالا رود، در کوه در بند بر سطحه‌هایی در خم-های رودخانه قرار گرفته‌اند و نظیر این وضعیت در «دامین» نیز دیده می‌شود.

استقرارهای آغاز دوران تاریخی مهم‌تری مانند دامین و بمپور با قلعه‌ها و بناهای جدید پوشیده شده‌اند. در جیرفت شهر جدید بسیار بزرگ است و تمامی آثار و نشانه-های بناهای آغاز دوران تاریخی را فرا می‌گیرد. در همین جا وجود استقرارهای هزاره چهارم قبل از میلاد مانند تپه نورآباد نمایشگر اشتغال در طول مدت آغاز دوران تاریخی است. مدل استقرار در این موارد مانند امروز، طویل و مستد است. کانال‌ها، مزارع و بناها به صورت خطی در امتداد رودخانه قرار

دارند و مقابله‌ای را میان کوه‌ها و فلات خشک که آنها را احاطه کرده در تمامی جهات و کرانه‌های رودخانه به وجود می‌آورند.

۵- استقرارهای روی دلتاها ۲۱

یک دلتا موجب ظهور یک شبکه پهناور رودخانه‌های کوچک، کانال-های طبیعی، و دریاچه‌های باطلاقی می‌شود که تمرکز نمونه‌های زیستی زیادی را می‌تواند مورد حمایت قرار بدهد. در قسمت شرقی ایران، سیستان بهترین نمونه این نوع استقرار بشمار می‌آید که در آسیای مرکزی نیز بسیار متداول می‌باشد. سیستان مهم‌ترین نقطه توسعه اقتصادی در قسمت شرقی ایران بوده است و تنها منطقه‌ایست که در آن پویش بنیاد شهر نشینی ریشه‌های قدیمی دارد. وجود منابع بزرگ معدنی در دور و نزدیک و مقدار فراوان آب گارانتی شده توسط رودخانه هیرمند (هیل‌مند؟) بعنوان سازمان دهندگانی براساس یک اقتصاد جریان یافته از هزاره چهارم قبل از میلاد عمل کرده است. از نظرگاه محیطی، این منطقه بسیار شبیه به آسیای مرکزی است که در

آن استقرارها کاملاً وابسته به جریان رودخانه هستند و ناگزیر به تابعیت حتی دگرگونی‌های جهت آب نیز می-باشند (شکل ۴ عکس در متن انگلیسی) مانند دره‌های رودخانه و نواحی دامنه کوه در اینجا نیز هیچ استقراری مدت زیادی دوام نمی‌آورد.

این ترتیب گونه‌بندی ما را قادر می‌سازد تا بتوانیم ملاحظات اندکی از یک ماهیت عمومی درباره نوع استقرارها به عمل آوریم. یک سلسله عوامل میان رفتار رژیم‌های هیدرولوژیک و نمونه‌استقرار وجود دارد که می‌تواند به سه وضعیت عمده گروه‌بندی شود:

- الف - دامنه کوه: با توزیع گونه‌های نباتی در نوارهای متوازی طبق مقدار نسبی آب، باران و زمین.
- ب - درون کوه: با بزرگترین استقرار که در وسط قرار گرفته و توسط روستاهای کوچک‌تری احاطه گردیده است.
- پ - دلتا: با حداکثر اختلاف و تراکم منابع (شکل ۵ عکس در متن انگلیسی)

21- Settlements on the Land-Locked Deltas

قابل توجه: برای مشاهده عکسهای مربوط باین مقاله به متن انگلیسی آن در بخش لاتین

این دفتر صفحه ۲۰ تا ۳۲ مراجعه فرمائید.